

قاتل می گوید مأموریت آدمکشی داشت

قتل مرد زندانی بعد از آزادی

پسر جوان وقتی از زندان آزاد شد نمی دانست پسری که دوستی پنهانی با خواهرش دارد او را خواهد کشت. قاتل مدعی شده دستور آدمکشی داشته است اما مادر و خواهر مقتول این اتهام را نپذیرفتند.

ناپدید شدن یک زندانی بعد از آزادی

رسیدگی به این پرونده از زمستان سال ۱۴۰۰ به دنبال ناپدید شدن پسر ۲۰ ساله‌ای به نام پرهام آغاز شد. مادر وی به نام پروانه که به پلیس آگاهی رفته بود، گفت: صاحب یک پسر و دختر هستم. شوهرم چند سال قبل به جرم حمل مواد مخدر به زندان افتاد و در این مدت من و پسر و دخترم با هم زندگی می‌کردیم تا اینکه یک سال قبل پسرم پرهام به همین جرم بازداشت و روانه زندان شد. پسرم هفته گذشته از زندان آزاد شد و به خانه برگشت. وی افزود: ۲ روز قبل پسرم عصر از خانه بیرون رفت و دیگر بازنگشت. خبری از او ندارم و نگرانش هستم. گمان می‌کنم ماجرای ناپدید شدن پسرم با همبندی‌های او در زندان مرتبط بوده و ممکن است آنها بلایی سر پسرم آورده باشند. با این شکایت، تلاش برای افشای راز ناپدید شدن پسر جوان آغاز شد و مأموران در نخستین گام از تحقیقات به بررسی آنتن دهی گوشی موبایل وی پرداختند و دریافتند گوشی موبایل پرهام آخرین بار در حاشیه فرودگاه امام(ره) آنتن دهی داشته است اما این سرنخ اطلاعات دقیقی به مأموران نداد.

افشای جنایت بعد از ۶ ماه

در حالی که نزدیک به ۶ ماه از ناپدید شدن

پسر جوان گذشته بود، مأموران دریافتند خواهر ۱۶ساله پرهام به نام پریا یا پسر ۲۲ ساله‌ای به نام پردیا در ارتباط است و پسر جوان به خانه آنها رفت‌وآمد دارد. بدین ترتیب به بازجویی از پردیا پرداختند. پسر جوان که مدعی بود از سرنوشت برادر پریا اطلاعی ندارد، گفت: از ۲ سال قبل وقتی پریا ۱۴ ساله بود با او آشنا شدم. ما به یکدیگر علاقه‌مند هستیم و من با موافقت مادر پریا به خانه آنها رفت‌وآمد دارم. در این مدت فقط یک‌بار برادر پریا را دیده‌ام و اطلاعی از سرنوشت وی ندارم، اما پسر جوان در ادامه تحقیقات وقتی معج خود را جنایت برداشت.

وی گفت: ۲ سال پیش وقتی با پریا آشنا شدم فهمیدم پدر و برادر او در زندان هستند و مادرش در غیاب آنها با یکی از اقوامش به نام مرتضی ارتباط پنهانی دارد. هر بار به خانه آنها می‌رفتم با مرتضی که از پروانه بسیار جوان‌تر بود روبه‌رو می‌شدم. چند بار درباره این رابطه از پریا سؤال کردم اما گفت مرتضی و مادرش به یکدیگر علاقه‌مند هستند. بعد از مدتی من و مرتضی هر شب به خانه آنها می‌رفتیم و شب را همانجا می‌ماندیم تا اینکه مدتی قبل برادر پریا از زندان آزاد شد. با آمدن پرهام دیگر مرتضی جرأت نداشت به خانه آنها بیاید و پروانه از این موضوع ناراحت بود.

نقشه شوم

وی در ادامه گفت: یک روز مادر پریا با من تماس گرفت و گفت اگر به دخترش

علاقه‌مند هستم باید کاری کنم تا پسرش بار دیگر به زندان برود. به همین خاطر طبق نقشه مقداری مواد مخدر تهیه کردم و آن را زیر صندلی ماشین پروانه گذاشتم. چند دقیقه بعد پروانه پسرش را به بهانه خرید از خانه بیرون فرستاد. من هم با پلیس تماس گرفتم تا او گرفتار شود اما موفق نشدم او را باز کنم. بعد از چند روز پروانه از من خواست پسرش را بکشم. او می‌گفت پسرش اجازه نمی‌دهد من و پریا با هم ازدواج کنیم، من هم به خاطر علاقه زیادم به پریا قبول کردم.

وی در تشریح جزئیات جنایت گفت: آن روز قرار شد پریا به همراه مادر و برادرش برای تفریح به بیرون بروند و من به عنوان راننده تاکسی آنها را سوار ماشینم کنم. حاشیه شهرری به دروغ گفتم ماشینم خراب شده است. همگی از ماشین پیاده شده بودیم که با چاقویی که همراه داشتم یک ضربه به پرهام زدم. مادرش با عصبانیت از من خواست ضربه‌های بیشتری بزنم و کار را تمام کنم. من هم چند ضربه دیگر به پرهام زدم. همان موقع پروانه شالش را به من داد و گفت دست و پای پرهام را ببندم و او را به داخل صندوق عقب بیندازم. ما دست و پای او را بستیم و جسد را در حاشیه فرودگاه امام(ره) دفن کردیم.

با اطلاعاتی که پسر جوان به مأموران داده بود بقایای جسد کشف و به پزشکی قانونی منتقل شد و پروانه و پریا بازداشت شدند اما



و می‌خواهی با او ازدواج کنی باید پرهام را بکشی. من هم به ناچار قبول کردم، اما پروانه گفت پردیا دروغ می‌گوید و وی هرگز قصد کشتن پسرش را نداشته است. در حالی که مدرکی علیه مادر و دختر به دست نیامده بود آنها آزاد شدند و برای پردیا کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و وی از خود دفاع کرد.

در دادگاه

در ابتدای جلسه پدر پرهام که مرد سالخورده‌ای بود روبه‌روی قضات ایستاد و گفت: می‌دانم که همسر و دخترم در این ماجرا دستی ندارند و پردیا به تنهایی پسر را کشته است. من برایش قصاص می‌خواهم. سپس پردیا به دفاع پرداخت و گفت: اتهامم را قبول دارم اما پروانه دستور قتل را صادر کرده بود. او برای اینکه بتواند با مرد غریبه در ارتباط باشد می‌خواست پسرش را حذف کند. او به من گفت اگر عاشق پریا هستم

و می‌خواهی با او ازدواج کنی باید پرهام را بکشی. من هم به ناچار قبول کردم، اما پروانه گفت پردیا دروغ می‌گوید و وی هرگز قصد کشتن پسرش را نداشته است. در حالی که مدرکی علیه مادر و دختر به دست نیامده بود آنها آزاد شدند و برای پردیا کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و وی از خود دفاع کرد.

در ابتدای جلسه پدر پرهام که مرد سالخورده‌ای بود روبه‌روی قضات ایستاد و گفت: می‌دانم که همسر و دخترم در این ماجرا دستی ندارند و پردیا به تنهایی پسر را کشته است. من برایش قصاص می‌خواهم. سپس پردیا به دفاع پرداخت و گفت: اتهامم را قبول دارم اما پروانه دستور قتل را صادر کرده بود. او برای اینکه بتواند با مرد غریبه در ارتباط باشد می‌خواست پسرش را حذف کند. او به من گفت اگر عاشق پریا هستم

و می‌خواهی با او ازدواج کنی باید پرهام را بکشی. من هم به ناچار قبول کردم، اما پروانه گفت پردیا دروغ می‌گوید و وی هرگز قصد کشتن پسرش را نداشته است. در حالی که مدرکی علیه مادر و دختر به دست نیامده بود آنها آزاد شدند و برای پردیا کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و وی از خود دفاع کرد.

و می‌خواهی با او ازدواج کنی باید پرهام را بکشی. من هم به ناچار قبول کردم، اما پروانه گفت پردیا دروغ می‌گوید و وی هرگز قصد کشتن پسرش را نداشته است. در حالی که مدرکی علیه مادر و دختر به دست نیامده بود آنها آزاد شدند و برای پردیا کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و وی از خود دفاع کرد.

و می‌خواهی با او ازدواج کنی باید پرهام را بکشی. من هم به ناچار قبول کردم، اما پروانه گفت پردیا دروغ می‌گوید و وی هرگز قصد کشتن پسرش را نداشته است. در حالی که مدرکی علیه مادر و دختر به دست نیامده بود آنها آزاد شدند و برای پردیا کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و وی از خود دفاع کرد.

و می‌خواهی با او ازدواج کنی باید پرهام را بکشی. من هم به ناچار قبول کردم، اما پروانه گفت پردیا دروغ می‌گوید و وی هرگز قصد کشتن پسرش را نداشته است. در حالی که مدرکی علیه مادر و دختر به دست نیامده بود آنها آزاد شدند و برای پردیا کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و وی از خود دفاع کرد.

و می‌خواهی با او ازدواج کنی باید پرهام را بکشی. من هم به ناچار قبول کردم، اما پروانه گفت پردیا دروغ می‌گوید و وی هرگز قصد کشتن پسرش را نداشته است. در حالی که مدرکی علیه مادر و دختر به دست نیامده بود آنها آزاد شدند و برای پردیا کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و وی از خود دفاع کرد.

و می‌خواهی با او ازدواج کنی باید پرهام را بکشی. من هم به ناچار قبول کردم، اما پروانه گفت پردیا دروغ می‌گوید و وی هرگز قصد کشتن پسرش را نداشته است. در حالی که مدرکی علیه مادر و دختر به دست نیامده بود آنها آزاد شدند و برای پردیا کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و وی از خود دفاع کرد.

و می‌خواهی با او ازدواج کنی باید پرهام را بکشی. من هم به ناچار قبول کردم، اما پروانه گفت پردیا دروغ می‌گوید و وی هرگز قصد کشتن پسرش را نداشته است. در حالی که مدرکی علیه مادر و دختر به دست نیامده بود آنها آزاد شدند و برای پردیا کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و وی از خود دفاع کرد.

و می‌خواهی با او ازدواج کنی باید پرهام را بکشی. من هم به ناچار قبول کردم، اما پروانه گفت پردیا دروغ می‌گوید و وی هرگز قصد کشتن پسرش را نداشته است. در حالی که مدرکی علیه مادر و دختر به دست نیامده بود آنها آزاد شدند و برای پردیا کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و وی از خود دفاع کرد.

و می‌خواهی با او ازدواج کنی باید پرهام را بکشی. من هم به ناچار قبول کردم، اما پروانه گفت پردیا دروغ می‌گوید و وی هرگز قصد کشتن پسرش را نداشته است. در حالی که مدرکی علیه مادر و دختر به دست نیامده بود آنها آزاد شدند و برای پردیا کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و وی از خود دفاع کرد.

و می‌خواهی با او ازدواج کنی باید پرهام را بکشی. من هم به ناچار قبول کردم، اما پروانه گفت پردیا دروغ می‌گوید و وی هرگز قصد کشتن پسرش را نداشته است. در حالی که مدرکی علیه مادر و دختر به دست نیامده بود آنها آزاد شدند و برای پردیا کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و وی از خود دفاع کرد.

و می‌خواهی با او ازدواج کنی باید پرهام را بکشی. من هم به ناچار قبول کردم، اما پروانه گفت پردیا دروغ می‌گوید و وی هرگز قصد کشتن پسرش را نداشته است. در حالی که مدرکی علیه مادر و دختر به دست نیامده بود آنها آزاد شدند و برای پردیا کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و وی از خود دفاع کرد.

و می‌خواهی با او ازدواج کنی باید پرهام را بکشی. من هم به ناچار قبول کردم، اما پروانه گفت پردیا دروغ می‌گوید و وی هرگز قصد کشتن پسرش را نداشته است. در حالی که مدرکی علیه مادر و دختر به دست نیامده بود آنها آزاد شدند و برای پردیا کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و وی از خود دفاع کرد.

و می‌خواهی با او ازدواج کنی باید پرهام را بکشی. من هم به ناچار قبول کردم، اما پروانه گفت پردیا دروغ می‌گوید و وی هرگز قصد کشتن پسرش را نداشته است. در حالی که مدرکی علیه مادر و دختر به دست نیامده بود آنها آزاد شدند و برای پردیا کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و وی از خود دفاع کرد.

و می‌خواهی با او ازدواج کنی باید پرهام را بکشی. من هم به ناچار قبول کردم، اما پروانه گفت پردیا دروغ می‌گوید و وی هرگز قصد کشتن پسرش را نداشته است. در حالی که مدرکی علیه مادر و دختر به دست نیامده بود آنها آزاد شدند و برای پردیا کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و وی از خود دفاع کرد.

و می‌خواهی با او ازدواج کنی باید پرهام را بکشی. من هم به ناچار قبول کردم، اما پروانه گفت پردیا دروغ می‌گوید و وی هرگز قصد کشتن پسرش را نداشته است. در حالی که مدرکی علیه مادر و دختر به دست نیامده بود آنها آزاد شدند و برای پردیا کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و وی از خود دفاع کرد.

و می‌خواهی با او ازدواج کنی باید پرهام را بکشی. من هم به ناچار قبول کردم، اما پروانه گفت پردیا دروغ می‌گوید و وی هرگز قصد کشتن پسرش را نداشته است. در حالی که مدرکی علیه مادر و دختر به دست نیامده بود آنها آزاد شدند و برای پردیا کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و وی از خود دفاع کرد.

حوادث ویژه

تیرباران زوج جوان توسط مردان ناشناس

افراد مسلح، یک زن و شوهر را در شهرستان سرپل ذهاب به رگبار بستند. روز جمعه مردان ناشناس در میدان قائم شهرسرپل ذهاب سوار بر خودروی سمند با اسلحه گرم به یک زوج جوان در سرپل ذهاب تیراندازی کردند و زن جوان در این تیراندازی به کام مرگ فرو رفت و مرد جوان که بشدت زخمی شده بود روانه بیمارستان شد. بنا بر گفته اهالی محل، درگیری ابتدایی برسر تصادف بین سمند و یک دستگاه سایپا رخ داده و سپس سرنشینان سمند به سمت سایپا تیراندازی می‌کنند که در این بین زن و شوهر مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرند که زن کشته می‌شود و مرد نیز زخمی است. عاملان قتل از محل متواری شده‌اند و تلاش پلیس برای دستگیری و بررسی علت اصلی ماجرا ادامه دارد.

پایان وحشت آفرینی ۲ زورگیر خشن در سعادت آباد

۲ سارق خشن که با زخمی کردن مرد جوان در سعادت آباد تهران دست به زورگیری زده بودند در عملیات پلیسی دستگیر شدند. سرهنگ محمد کبودزی، رئیس پلیس پیشگیری تهران گفت: بامداد ۲۲ تیر ماه، مأموران عملیات کلاتری ۱۳۴ شهرک قدس در حال گشتزنی در محدوده بلوار «دریا» بودند که مشاهده کردند سرنشینان یک دستگاه موتورسیکلت آن اس دو ترک در حال تهدید یکی از شهروندان با سلاح سرد هستند که مأموران سریعاً برای دستگیری متهمان وارد عمل شدند. متهمان در همین حین به شهروند حمله ور شدند و با سلاح سردی که در اختیار داشتند وی را از ناحیه شکم زخمی کرده و از محل متواری شدند. این مقام انتظامی به انتقال مجروح به بیمارستان اشاره کرد و گفت: با اجرای طرح مهار و اعلام مشخصات متهمان به سایر گشت‌های انتظامی، موتورسیکلت متهمان متوقف شد و هر ۲ متهم در یک عملیات منسجم و پلیسی دستگیر شدند و در بررسی‌های بیشتر از متهمان ۲ قبضه سلاح سرد که با آن اقدام به زورگیری می‌کردند کشف شد. متهمان ۱۸ و ۳۳ ساله در تحقیقات اولیه به جرم خود ۱۰ فقره سرقت مشابه با همکاری همدیگر معترف شدند و اظهار داشتند پس از سرقت و زورگیری تلفن همراه اموال مسروقه را به فرد معینی فروخته‌اند. رئیس پلیس پیشگیری تهران در پایان با اشاره به سوابق متهمان در امر سرقت خاطر نشان کرد: با صدور قرار قانونی از سوی مرجع قضایی متهمان برای کشف جرم احتمالی و شناسایی سایر شکات در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند.

بخشش قاتل مسلح در درگز

با تلاش کارگروه صلح و سازش زندان درگز و وساطت بزرگان و خیران شهرستان، یک محکوم به قصاص از چوبه دار نجات یافت. رئیس زندان درگز گفت: حدود ۵ سال پیش در یک نزاع برسر مسأله مالی، قاتل به علت عدم کنترل خشم مرتکب قتل شده و از محضه درگیری فرار کرده بود. اما بعد از حدود ۲۵ سال در یکی از روستاهای قوچان دستگیری می‌شود. مرتضی فدایی افزود: پس از وقوع قتل با اسلحه، حکم قصاص متهم از سوی دادگاه کیفری استان صادر و در دیوان عالی کشور تأیید و به اجرای احکام شهرستان درگز ارجاع شد. وی گفت: با پیگیری واحد مددکاری و کارگروه صلح و سازش زندان درگز و عنایت ویژه رئیس دادگستری و دادستان و همچنین تلاش مجدانه امام جمعه شهرستان طی روزهای گذشته، سرانجام اولیای دم با حضور در محل زندان درگز و پس از مواجهه با فرد قاتل با رضایت ثبّی، از حق خود گذشت کردند و تولدی دوباره برای وی رقم زدند.

بازداشت عامل زیرگرفتن

سرباز جوان با شلیک پلیس سیرجان

فردی که پس از ایجاد مزاحمت برای بانوان و فرار به دو خودروی شهروندان خسارت زده و با یک سرباز انتظامی نیز برخورد کرده بود، دستگیر شد. سرهنگ مرتضی امیرسیتی، فرمانده انتظامی سیرجان گفت: در پی تماس با پلیس ۱۱۰ مبنی بر اینکه فردی با خودرو برای تعدادی از بانوان در اطراف یکی از بوستان‌های شهر ایجاد مزاحمت می‌کند، مأموران یگان امداد برای رسیدگی به موضوع به محل مورد نظر اعزام شدند. وی افزود: مأموران با حضور در محل مشاهده کردند راننده خودروی پژو ۵۰۵ که هیچ توجهی به اخطار مأموران ندارد، با حرکات نامتعارف در حال حضور پلیس اقدام به فرار کرده و ضمن برخورد و ایراد خسارت به دو دستگاه خودروی شهروندان در ادامه مسیر با یک سرباز نیز برخورد و از صحنه فرار می‌کند. فرمانده انتظامی سیرجان با اشاره به صدمه دیدن این سرباز انتظامی از ناحیه دست و پا و انتقال وی به نزدیک‌ترین واحد درمانی خاطر نشان کرد: در ادامه مأموران یگان امداد این متهم را پس از مسافتی تعقیب و مراقبت و شلیک تیر هوایی دستگیر و وی را به سبب این رفتارهای ناهنجار و ایراد خسارت به شهروندان با تشکیل پرونده به مراجع قضایی معرفی کردند.

حسادت مردانه کار دست عروس خانواده داد

پسر جوان به خاطر حسادت از طریق اینستاگرام اقدام به توهین و افترا به زن پسرعموش کرد. سرهنگ فرشید زینلی، رئیس پلیس مرودشت گفت: خانمی با در دست داشتن شکوایتی‌ای به پلیس فتای شهرستان مرودشت مراجعه و عنوان کرد که شخصی ناشناس از طریق اینستاگرام اقدام به توهین، افترا و... نسبت به من کرده و باعث هتک کرامت من شده است که بررسی موضوع در دست کارشناسان قرار گرفت. وی افزود: پس از اخذ مستندات و اظهارات شاکیه، با اقدامات فنی و شرکدهای خاص پلیسی متهم که پسر عموی شوهرزن جوان بود، شناسایی و با اخذ دستور قضایی احضار شد. سرهنگ «زینلی» عنوان داشت: متهم در بازجویی‌های انجام شده علت این امر را حسادت و کینه توزی عنوان کرد. این مقام انتظامی با بیان اینکه متهم رای سپر مراحل قانونی به دادسرا معرفی شد، تصریح کرد: ضرورت دارد افراد با آگاهی کافی از فضای مجازی وارد آن شوند؛ چرا که برخی از آسیب‌های فضای مجازی غیرقابل جبران است.

قتل پسر جوان در درگیری مسلحانه

جوان ۲۸ ساله کنگاوری در یک درگیری با سلاح گرم کشته شد. شامگاه جمعه ۲۳ تیرماه تعدادی جوان در شهرستان کنگاور از توابع استان کرمانشاه با یکدیگر درگیر شدند. در این درگیری پسر جوانی با در دست داشتن اسلحه اقدام به تیراندازی کرد که باعث مرگ پسر ۲۸ ساله‌ای شد و ماجرا خیلی زود به پلیس مخایره شد. بدین ترتیب مأموران با حضور در صحنه جرم تحقیقات ابتدایی را آغاز کرده و جسد برای بررسی‌های بیشتر به پزشکی قانونی منتقل شد. بنا بر این گزارش، تحقیقات برای دستگیری عامل این جنایت مسلحانه در دستور کار مأموران پلیس قرار گرفته است.

مرگ هانا کوچولو در خانه ناپدری

هانا دختر ۸ساله به طرز مشکوکی پس از سقوط از پله‌های خانه‌شان در کام مرگ فرو رفت، البته این ادعای ناپدری اوست و آثار تنبیه روی بدن دخترک نشان می‌دهد که سرنوشت سیاهی داشته است. این پرونده قتل درحالی روی میز کارآگاهان جنایی قرار دارد که هنوز علت تامه مرگ دخترک در حال بررسی است.

سرنوشت تلخ دخترک

به گزارش خبرنگار «ایران»، رسیدگی به این پرونده از اواخر خرداد امسال از وقتی شروع شد که دختر ۸ساله‌ای به نام هانا در بخش مراقبت‌های ویژه یکی از بیمارستان‌های حوالی ملارد بستری شد. دخترک که دچار ضربه مغزی شده و آتار کبودی روی بدنش نمایان بود طولی نکشید که در بیمارستان جان باخت و با مرگ او، کارآگاهان جنایی در بیمارستان حضور یافتند و مرگ هانا به عنوان یک مرگ مشکوک اعلام شد.

بازداشت ناپدری هانا کوچولو

مادر داغدار در زمان وقوع حادثه در خانه حضور نداشت و ناپدری هانا به عنوان مظنون به قتل تحت بازجویی قرار گرفت. کارآگاهان پس از بررسی‌های گسترده دریافتند که هانا توسط ناپدری‌اش مورد ضرب و شتم قرار گرفته است و با این فرضیه که ناپدری عامل این جنایت تکان دهنده است، بازداشت شد، اما ناپدری در اظهاراتش مدعی شد که او، هانا را به قتل نرسانده بلکه خودش از پله‌ها به پایین پرت شده است.

بررسی فنی نشان می‌دهد آثار دیگری علاوه بر ضربه‌های سقوط از پله نیز در پیکری جان هانا وجود دارد برهمن اساس ناپدری هانا متهم به ضرب و شتم بازداشت شد و حالا به زندان منتقل شده و بازپرس پرونده پس از تکمیل گزارش پزشکی قانونی و مداری که وجود دارد درباره متهم تصمیم‌گیری خواهد کرد.

صحت‌های مادر دخترک

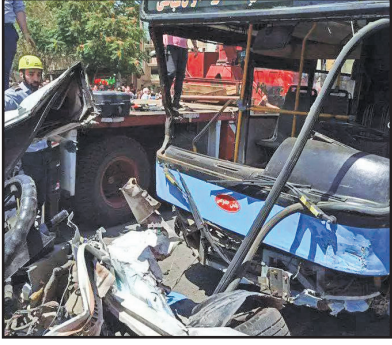
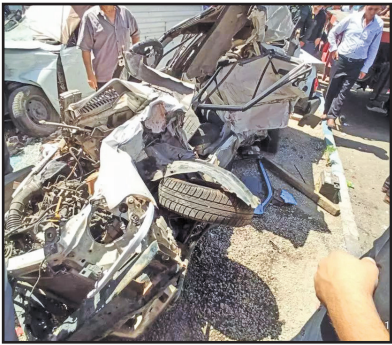
مادر هانا که ۳۲سال سن دارد پس از شکست در ازدواج اولش درحالی که هانا ۴سال داشت با فرهاد ازدواج می‌شد. براساس اظهارات او، ناپدری هانا، مردی عصبانی مزاج بوده با همه اینها، او رضایتش را نسبت به همسرش که حالا در زندان بسر می‌برد، اعلام کرده است.

اما تحقیقات بازپرسی این پرونده تا ارائه کامل نتیجه معاینه پزشکی قانونی ادامه دارد و تاکنون مشخص نیست که آیا ناپدری هانا، او را کشته یا اینکه هانا واقعاً در اثر سقوط از پله‌ها در کام مرگ فرو رفته است.

زینب شهیاری کارشناس ارشد روانشناسی

بزرگ‌ترین عامل کودک‌آزاری‌های جسمی، عدم مهارت و ناتوانی والدین در برابر رفتار کودکانه کودک است.

برخی از والدین، نزدیک‌ترین راه برای اصلاح



نیز امداد رسانی شدند. همچنین به دیگر خودرو شامی بلند با ۵ سرنشین توسط آتش‌نشانان امداد رسانی شد.

صالح‌نیا در خاتمه گفت: آتش‌نشانان در ادامه اجرای این عملیات امدادی با رهاسازی خودرو پراید از زیر چرخ اتوبوس شرکت واحد و ایمنی‌سازی محل حادثه به عملیات خاتمه دادند.

حادثه کشته نداشت

رئیس مرکز فوریت‌های پزشکی و اورژانس دانشگاه علوم پزشکی تبریز با تکذیب فوت تعدادی از مصدومان حادثه اعلام کرد: تمام مصدومان در مراکز درمانی شهر تحت درمان هستند. دکتر اصغر جعفری روحی از متخصصان مرکز اورژانس تبریز گفت: مصدومان از داخل خودروها با کمک عوامل آتش‌نشانی بیرون کشیده شدند و سپس آنها را به مراکز درمانی عودت دادند. وی اظهار کرد: تعداد ۱۰ نفر از مصدومان حادثه که بیشتر آنها دچار شکستگی از ناحیه دست و پا هستند، تحت درمان و اعمال جراحی قرار گرفتند. جعفری روحی با بیان اینکه مخاطرات اولیه جانی از تعدادی از مصدومان رفع شده است، یادآور شد: هیچ خطر جانی مصدومان را تهدید نمی‌کند و امیدواریم بزودی تمام مصدومان درمان شده و از مراکز درمانی مرخص شوند.

برخورد اتوبوس با تعدادی خودرو و شهروندان عبوری در تبریز حادثه هولناکی را رقم زد. این حادثه ساعت ۱۴:۲۰ روز جمعه ۲۳ تیرماه به مرکز اورژانس اطلاع داده شد و ۶ دستگاه آمبولانس اورژانس عازم محل در بازارچه سیلاب شدند. کارشناسان اورژانس ۱۰ مصدوم را تحت اقدامات درمانی به بیمارستان‌های امام رضا، امام سجاد و سینا انتقال دادند که وضعیت ۵ مصدوم این حادثه وخیم گزارش شده است.

سعید صالح‌نیا، مدیر سازمان آتش‌نشانی تبریز با اعلام این خبر گفت: به دنبال گزارش این حادثه، تیم‌های عملیاتی سازمان آتش‌نشانی به محل حادثه اعزام و شاهد برخورد شدید اتوبوس با ۳ خودرو پراید و وانت پیکان در بازارچه سیلاب و توقف آنها شدند که سرنشین خودرو پراید در زیر چرخ‌های اتوبوس محبوس شده بود.

وی ادامه داد: تیم عملیاتی با رعایت اصول ایمنی و اجرای عملیات امدادی این مرد محبوس را به بیرون منتقل کرده و در اختیار عوامل اورژانس قرار دادند.

مدیر سازمان آتش‌نشانی تبریز افزود: ۲ سرنشین دیگر نیز پس از برخورد در سمت دیگر خیابان و داخل خودرو پراید محبوس و مصدوم بودند که آنها